



جایگاه فقهی حقوقی فناوری دروغ سنج^۱ در کشف جرائم امنیتی

جعفر صاحبان احمدی^۲

مسعود حیدری^۳

DOR: 20.1001.1.17358671.1399.19.71.3.6

چکیده:

فناوری‌های نوین سعی نموده‌اند که به کمک دانش کیفری آمده و زمینه ارتقاء دانش کیفری را فراهم آورند، حال ضرورت پژوهش ایجاب می‌کند که بررسی نمود که منابع حقوقی و فقهی ما تا چه حدودی این فناوری‌ها را در خود برمی‌تابد؟ روش تحقیق در این جستار روش توصیفی-تحلیلی منطبق بر داده‌های کتابخانه‌ای است که بر این اساس پژوهش کوشیده است تا برای شکل‌گیری دقیق یک‌رویه قضایی در حقوق ایران پیش از ورود به کاربری در دادرسی کیفری، تدارکی فقهی حقوقی فراهم آورده و در این زمینه هندسه دقیقی برای استفاده از آن تدوین نماید. با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت در قالب یک اماره قضایی یافته‌های این فناوری می‌تواند سهم بسزایی در تشکیل علم قاضی در جرائم امنیتی ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: دروغ‌سنج، جرائم امنیتی، فقه و حقوق، آئین دادرسی کیفری، ادله اثبات دعوا.

1. Polygraph.

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، نویسنده مسئول.

مقدمه

پیشرفت فناوری تأثیرات بسزایی در دانش حقوق در دهه‌های اخیر به وجود آورده است که از مهم‌ترین این تحولات در حوزه امارات و دلایل حقوقی در محاکم و فرآیند قضایی می‌باشد، پیشرفت‌هایی که در کشف جرائم کیفری تأثیر مستقیمی دارد (Faigman, 1999:265). این مقدمات و حساسیت‌های رسیدگی به جرائم امنیتی برای کشف حقیقت دست‌به‌دست هم داده، اولین بار در سال ۱۹۲۱ دستگاهی ساخته شد که ادعا می‌کرد می‌تواند بر اساس واکنش‌های اندام‌شناسی^۱ به برخی حسگرها تشخیص دهد که گوینده حقیقت موضوع را کتمان می‌کند. از این تاریخ تاکنون دانش فنی در این حوزه تحولات زیادی داشته است و هنوز در خصوص ارزش قضایی این دستگاه در نظام قضایی رد و قبول‌های متعددی وجود دارد (Gordon, 2008:39).

اکنون در کشورهای متعدد، با تشکیک در دامنه پذیرش یافته‌های فناوری دروغ‌سنج به‌عنوان یک دلیل قانونی^۲ برای طیفی از صلاحیت‌های اثباتی در احراز حقیقت از اماره خاص، نشانه قضائی معتبر و آزاد در انتخاب^۳ و یا یک گزارش کیفری در روند رسیدگی در جرائم امنیتی، خصوصاً در جرائم جاسوسی و استخدام نیروهای امنیتی به کار گرفته می‌شود (Meijer, 2017:389). در نظام حقوقی ما در فقه و حقوق مسئله بررسی ارزش قضایی این دست‌یافته‌ها هنوز بررسی نشده است و به همین واسطه نیز رویه منسجم علمی در این خصوص شکل نگرفته است. از سویی تهدیدات امنیتی و جرائم خاص هرروز پیچیده‌تر شده و ضرورت استفاده از این فناوری‌ها را بیشتر نموده است. اما گذشته از حقوق عامه، که در این موضوع از اهمیت برخوردار است، کیفیت قضاء اسلامی نیز از جهت مشروعیت در این خصوص به‌خوبی تبیین نشده است و در این رابطه پژوهشی صورت نپذیرفته است، ازاین‌رو این نوشتار هدف اصلی خود را بر واکاوی فقهی حقوقی یافته‌های فناوری دروغ‌سنجی قرار داده است. از آنجایی که امروزه در زندگی اجتماعی و حقوقی در حوزه‌های متنوعی از این فناوری بهره می‌برند، نگارنده با توجه اهمیت جرائم امنیتی تمرکز خود را بر این دسته از جرائم قرار داده است تا مسئله قدری جزئی‌تر بررسی شود و هدف نهایی تنقیح هندسه مطلوب یافته‌های دروغ‌سنج در نظام حقوق در جرائم امنیتی را محقق نماید. برای تدارک هدف فوق محقق کوشیده است تا از خلال تتبع تنقیحی از پرسش‌های ذیل، این مهم را کشف نماید:

۱. از آنجایی که در اجرا و دست‌یابی به نتایج این فناوری گاه نیاز است که داستانی دروغین و ساختگی از طرف عامل مجری ارائه شود و گاه نیز برخی روش‌ها برای ثبت پاسخ حسگرها در دروغ‌سنج‌ها نیاز به فشار روانی (البته اصولاً بدون صدمه جسمی و یا روحی معتنا به) دارد، آیا درواقع این عملیات می‌تواند از مشروعیت فقهی و حقوقی برخوردار باشد؟

1. Physiologic.

2. Legal reason.

۳. به این معنا که اجباری در پذیرش برای متهم نیست، اما می‌تواند در صورت درخواست نامبرده به وی کمک نماید تا حقیقت کشف شود و از وی ظن به عمل برداشته شود.

۲. در فرض پاسخ ثبوتی به مسئله سابق، (در صورت حکم به مشروعیت) آنگاه این سؤال مطرح است که آیا اساساً استفاده از این فناوری نوعی اقدام اکتشافی صرف در فرآیند کشف جرائم امنیتی است یا ارزش قانونی و قضایی بر آن مترتب است؟ پیش از این بایستی این سؤال را پاسخ داد که آیا گزارش‌های مبتنی بر فنون و روان‌شناسی در نظم حقوقی جرائم کیفری می‌تواند حائز جایگاه قضائی باشد؟

۳. با توجه به نظام‌های دادرسی کیفری از حیث بسته یا باز بودن در پذیرش اعداد دلایل کیفری اصولاً نظام دادرسی کیفری اسلام و به تبع آن نظام حقوق دادرسی کیفری ایران می‌تواند در اعداد دلایل خود یافته‌های فناوری دروغ‌سنج را بپذیرد؟ و در صورت پذیرش آیا این یافته‌ها از جنس دلیل یا امارات قضایی هستند؟ یا به تعبیری دیگر چرا تاکنون رویه قضایی در خود این یافته‌ها را نپذیرفته و موانع قانونی و حقوقی در این باره چیست؟

در هیچ کدام از کشورهایی که در حقوق جرائم امنیتی این فناوری پذیرفته شده است، این پذیرش مطلق نبوده و تابع استانداردهای متنوع، ضوابط پیشینی و اصول متفاوتی بوده است، محدودیت در اشخاص، رضایتمندی طرف در اخذ آزمون مذکور، حضور وکیل و مشاور حقوقی، مستندسازی در اخذ فرآیند از طریق فیلم‌برداری و...؛ در اینجا سؤال اصلی این است که ما به کدام نظام‌های حقوقی نزدیک‌تر هستیم و کدام یک از این ضوابط حقوقی بایستی در نظام حقوقی ما نیز مورد نظر قرار گیرد؟

پیشینه تحقیق

سابقه تحقیقات فقهی، با تمرکز بر حقوقی کیفری و حتی زمینه‌های روان‌شناسی در خصوص فناوری دروغ‌سنج چندان گسترده نیست، در زمینه پژوهش‌های استنادی حقوقی، برخی با تمسک به مفهوم حریم خصوصی به طرد تمسک به این فناوری حکم داده‌اند که البته کوشش محدود به بررسی حریم خصوصی و دروغ‌سنج بوده و سایر عوامل حقوقی یا فقهی را در نظر نگرفته‌اند و تنها یک توجه کلی را مطرح نموده‌اند.^۱ در روانشناسی جرم یابی نیز تأسیس و تحلیل برخی یافته‌ها و روش‌های استفاده از یافته‌ای این آزمون‌ها مورد نظر پژوهشگران قرار گرفته است و به مسائل میان‌رشته‌ای بین حقوق و یا علوم امنیتی با رویکردهای روانشناسی پرداخته شده است.^۲

بر این اساس فرضیه اساسی پژوهشگر این است که چنانچه تحلیل عرفی از یافته‌های فناوری دروغ‌سنجی بازه معتبر کیفری را تضمین نماید می‌توان با ضوابط معین در جرائم امنیتی از آن بهره برد.

۱. آقابابایی، حسین؛ احمدی ناطور، زهرا؛ فناوری دروغ‌سنج؛ تحدیدی بر علیه حریم خصوصی، (۱۳۹۱) پاییز و زمستان، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۶ (۲۲ صفحه - از ۷ تا ۲۸).

۲. به طور مثال به تحقیقات ذیل توجه کنید:

— نجاریان، همن؛ سودانی، منصور؛ ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش تحریف واقعیت (۱۳۸۰)

بهار و تابستان، شماره ۶۲، (۱۶ صفحه - از ۹۹ تا ۱۱۴).

— ابراهیم زاده، الیاس؛ علوی، سیدمحمد؛ شناسایی فریب از طریق پردازش سیگنال‌های مغزی مبتنی بر روش مقایسه همبستگی، (۱۳۹۰) تابستان، (۸ صفحه - از ۵۷ تا ۶۴).

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس داده‌های کتابخانه‌ای خواهد بود. بدین ترتیب که یافته‌های فناوری دروغ‌سنج، توصیف، سپس متغیرها تنقیح خواهد شد. به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود این یافته‌ها را در جرائم امنیتی بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید. سپس در یک فرآیند تحلیلی یافته‌های توصیفی موجود تحلیل فقهی حقوقی خواهد شد. داده‌های مورد استناد در این تحقیق داده‌ای کیفی کتابخانه‌ای بوده که مورد استناد واکاوی و جرح و تعدیل قرار گرفته است.

ساختار تحقیق

تحقیق حاضر در سه بخش: درآمد، بررسی مفاهیم کاربردی در پژوهش؛ درآمد، تحلیل فقهی، حقوقی و تطبیقی نظام مسائل فناوری دروغ‌سنج و سرآمد، راهبردهایی برای ارتقاء نظام ادله دادرسی در جرائم امنیتی با تمرکز بر فناوری دروغ‌سنج خواهد بود.

درآمد، بررسی مفاهیم کاربردی و مبانی نظری پژوهش

در این قسمت بنا نیست که مفاهیمی چون جرم امنیتی یا دروغ‌سنج تعریف شود. بلکه هدف ترسیم هندسه مفاهیم مسئله موضوع پژوهش به شرح زیر است. بر این اساس در تنقیح مفاهیم پایه بیان می‌نماییم:

۱. دادرسی کیفری در جرائم امنیتی

اگر، آیین دادرسی کیفری را مجموعه قواعد و مقرراتی که برای کشف جرم، ... تحقیقات مقدماتی، ... نحوه رسیدگی و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع شده است (قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۱ و ۲) بدانیم؛ آنگاه تحدیداتی که مؤلفه امنیت از جهت فراگیر بودن و غیرقابل جبران بودن آثار جرم بر دادرسی کیفری مذکور خواهد گذاشت. تعریف به خصوصیت دادرسی کیفری در جرائم امنیتی تلقی خواهد شد.

۲. ارزیابی حقوقی یافته‌های آزمون روان‌شناختی

آزمون روانی به اندازه‌گیری عینی و استاندارد شده از یک نمونه رفتار برای ارزیابی یک خصوصیت یا مجموعه‌ای از خصوصیات یا واکنش‌های انسان به برخی از موضوعات به کار می‌رود (Schultz, Duane P.; Schultz, 1997: 99). همان‌طور که در تعریف اولیه گذشت اندازه‌گیری مفاهیم کیفی که بنیاد و منطق این یافته‌ها را تشکیل می‌دهد بر اساس دانش روان‌سنجی قرار دارد که تخصیص اعداد به اشیاء یا حوادث مطابق با برخی از قواعد، تعریف شده است (Michell, 1997: 356). این منطق کمی در مقابل منطق کیفی رایج و سنتی حقوق قرار می‌گیرد که به راحتی نمی‌تواند اعداد را در خود اخذ نماید و لذا معیار اساسی در منطق حقوقی تلقی عرف از یک مفهوم است درحالی که ارزیابی روان‌شناسانه به اعداد بسنده می‌کند و پذیرش یافته‌های روانکاوانه را در هر مورد متوقف بر منطق فهم عرفی خود قرار می‌دهد.

۳. فناوری دروغ‌سنج

به تعبیری می‌توان گفت که این فناوری نوعی آزمون روانکاوی است و بر این اساس طراحی شده است که با پاسخگویی به دودسته سؤالات کنترلی و سؤالات اصلی از طریق ثبت تغییرات بدنی و برانگیختگی به وسیله حسگرها می‌تواند گفتار مهیج دروغ را تشخیص دهد (Marston, 1917: 79). اما در حقیقت دروغ‌سنج علائم بدنی ناشی از برانگیختگی را ثبت می‌کند. (مثلاً عرق کردن پوست، تنفس و سرعت تپش قلب، واکنش‌های مغزی). بنابراین شاید دروغ‌سنج، دروغ را نمی‌سنجد؛ بلکه برانگیختگی را می‌سنجد. منتقدان می‌گویند که دروغ‌سنج نمی‌تواند بین دروغ‌گویی و برانگیختگی عمومی تمایز قائل شوند و برانگیختگی عمومی ممکن است در اثر اضطراب یا احساس گناه به وجود بیاید (Iacono, 2001: 76). یافته‌های تجربی و استفاده‌های عملی از این فناوری توانسته است عرف علمی را در این رابطه مجاب نماید که فناوری مذکور توانایی عملیاتی مطلوبی دارد.

۴. نظام ادله دادرسی در حقوق کیفری

در حقوق کیفری معتبرترین تقسیم‌بندی ادله در دادرسی را از جهت تصریح در قانون به دو نوع ادله قانونی و ادله آزاد تقسیم کرده است. ادله قانونی ادله‌ای هستند که قانون تصریحاً آن‌ها را دلیل بر امری قرار داده است و ادله آزاد؛ آن‌هایی هستند که بنابر نظر قاضی دلیل بر اثبات امری شناخته می‌شوند و برای وی علم آور تلقی می‌شوند (دیانی، ۷: ۶۸۳۱). ارزش دلایل در هر نظام حقوقی ابتدا متوقف بر این است که نظام دادرسی یک کشور تابع کدام نظام پذیرش ادله است و در پذیرش این ادله به چه شکل عمل نموده است.

برآمد: تحلیل فقهی، حقوقی و تطبیقی نظام مسائل فناوری دروغ‌سنج

در ذیل برآمده از سؤالات تحقیق و متمرکز از مقدمات فوق به چند مسئله فقهی حقوقی خواهیم پرداخت:

۵. تأسیس اصل فقهی در تمسک به استفاده از فناوری دروغ‌سنج در جرائم امنیتی

قبل از اینکه معارف و یافته‌های بازایی شده از طریق این فناوری را از جهت استفاده در موضوعات کیفری امنیتی بررسی نماییم، بایستی اساس امکان تمسک به این طریق از جهت مشروعیت اقامه این روش در عملیات قضایی مورد استفاده قرار گیرد. نزاع بحث در اینجا است که درواقع چنانچه گذشت و برخی ادعا نموده‌اند: اولاً برای دست‌یابی به یافته‌های فوق نیاز به دروغ‌گویی در طراحی سؤالات است، ثانیاً در تمسک به این وسیله طریق ایداء مطرح است و گاه بر اساس نظر برخی منتقدان لطمه روحی و جسمی برای متهم به همراه دارد (Ishmael, 2008: 37) ولی این ادعا ممکن است مطرح گردد که با توجه اینکه در اسلام هدف وسیله را توجیه نمی‌نماید^۱، پس اساساً تمسک به این دست وسیله

۱. ر.ک: مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۱۰۱، ۱۲۹، ج ۱۷، ص ۹۲ و ۹۳، ۶۰۵، ج ۲۴، ص ۴۱۵ - ۴۱۸، انتشارات صدرا، قم، چاپ چهارم.

ولو به کشف حقیقت کمک نماید مشروع نیست و ثالثاً تعذیب حتی حیوان نیز در اسلام خلاف اصل است (فاضل هندی، ۱۴۱۷ ق: ۲۳۵)، پس تمسک به این دست از طرق کشف_ولو به حقیقت منجر شود_ از آنجایی که محتمل از تعذیب است، نافع به قضاء اسلامی و مشروع نیست. رابعاً، مضاف به دو مقدمه فوق اصل عدم ولایت است بر سایر انسان‌ها (فاضل آبی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۱۱۳) و تنها به نص صریح این عدم ولایت قابل تخصیص است و بایستی دلیل کافی از این جهت متوافر بر حکم مشروعیت فوق باشد. لذا تصرف در حقوق اشخاص و اعمال ولایت قضایی تنها به صلاحیت قانونی ممکن است. بعضی نیز در حقوق احترام به حریم خصوصی را مانع تمسک به این روش دانسته‌اند (آقابابایی، احمدی ناطور، ۱۳۹۱: ۷) که علیرغم عدم ذکر منبع و دلیل فقهی صریح در بیان مذکور، شاید مستند فقهی این بیان قاعده احترام (تسخیری، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۸) باشد.

در پاسخ ادعای فوق باید بیان شود: اولاً در فقه قاعده‌ای که تمسک به روش نامشروع را نهی کند وجود ندارد و اجمالاً عدم مشروعیت بخشی به واسطه هدف برای وسیله مفهومی نسبی بوده و اهداف و مقاصد در تراحم اهم و مهم گاه دچار نسبت شده و ارزش خود به عنوان هدف را از دست می‌دهند، وسیله نیز نسبی بوده و چنانچه متناسب هدف باشد، اصولاً چنین تعارضی به وجود نخواهد آمد. در فقه این نظر را ذیل قاعده ضرورات^۱ (محقق داماد، ۱۳۹۶ ش، ج ۴: ۱۲۸) و قاعده اهم به دقت می‌توان مشاهده نمود که فقها در تعارض بین اهم و مهم و در ضرورت به صراحت تردیدی در تمسک به وسیله متناسب باهدف ندارند و اساساً در تعریف قاعده اهم آمده است: تقدیم جانب مهم‌تر هنگام تراحم میان دو حکم (صدر، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۲۱۵). لذا دلیل اول نه فقه است و نه تبیین دقیق از موضوع ما دارد. خصوصاً در مسئله جرائم امنیتی که در تلقی به ضرورت هیچ تردیدی باقی نخواهد گذاشت. در پاسخ از دلیل دوم که متمسک به حرمت تعذیب است: اولاً هرگونه تعذیب حرام نیست و فقها چنانچه تعذیب نفع عقلانی مشروع داشته باشد در آن تردیدی ندارند (شیرازی، ۱۴۰۷، ج ۷۴: ۷۹۱) ثانیاً هرگونه ایذاء حرام نبوده و چنانچه در مناط مشترک باقاعده عسر و حرج بیان می‌کنند: چنانچه کلفتی ذاتی تکلیف باشد و زائد بر تکلیف نباشد، تمسک به قاعده عسر و حرج مشروع نیست. در اینجا نیز چنانچه دلیلی بر اهمیت فوق اقامه شود، دلیلی بر تحریم این روش وجود ندارد و چنانچه تعذیب در ذات تکلیف قضایی باشد امکان حکم به تحریم آن وجود ندارد.

در خصوص تمسک به قاعده عدم ولایت نیز قضاء و کشف حقیقت تشریع شده است (محقق کرکی، بی تا، ج ۱: ۱۴۳) و از لوازم حق قضاء برای صالح در قضاوت اصولاً تمسک به عدم ولایت ممکن نیست و متناسب با موضوع قضاء تمسک به بینه و امارات عرفی مشروع و ممکن است. در خصوص قاعده

۱. الضرورات تبيح المحظورات.

احترام به جان و مال مومن نیز اولاً در مورد مؤمن مجری بوده و اساساً فاسق و مظنون (بنا به تصریح ادله^۱) را مشتمل نمی‌شود. گرچه نگارنده به ادله متوافره اثبات نموده است که اساس جرائم امنیتی به اقتضاء اولیه و حکم اولی مشمول به مشروعیت ذاتی طریق فوق است و رعایت ضروری بودن این تمسک را می‌توان احتیاط استحبابی تلقی نمود (یزدی نجفی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲: ۱۴۰).

۶. جایگاه یافته‌های آزمون دروغ‌سنجی در نظام دادرسی جرائم امنیتی

پس از حکم به مشروعیت کلی اکنون این مسئله را بررسی می‌نماییم که مکشوفات از طریق آزمون دروغ‌سنجی در دامنه کیفی ادله دادرسی از چه جایگاهی تبعیت می‌کند. بازشناسی هویت این یافته‌ها امری است موضوع شناسی و ابتدا بایستی از این جهت در حقوق کیفری مورد بررسی قرار گیرد و سپس در نظام ادله دادرسی قرار گیرد. اجمالاً از آنجایی که نامی از این روش در ادله مضبوط در فقه آورده نشده است و تنها در نظام بسته ادله کیفری فقط اقرار، شهادت، قسامه و سوگند (محقق داماد، ۱۴۰۷ ق، ج ۳: ۴۸) در مواردی پیش‌بینی شده است، پس ابتدا به ساکن نمی‌توان داخل در ادله مذکور تلقی و مطالعه شود و لذا: هرگاه ادله‌ای که موضوعیت دارد، فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد، مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود^۲. در این بیان حکم مشهور فقها در خصوص محدود بودن ادله اثبات به موارد مذکور در فوق مطرح و سپس با طرح ادله‌ای که موضوعیت دارد، امارات قضایی را در تشکیل عنوان دلیل علم قاضی اخذ نموده است. مقنن در همین طریق در حکمی دیگر بیان می‌دارد: علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به‌طور صریح در حکم قید کند^۳. لذا در صورتی که دلیلی موضوعیت در امری داشته باشد و خصوصیت بین بودن را نیز دارا باشد، می‌تواند در موضوع قضاء اتخاذ شود و در حکم مورد نظر قرار گیرد. در حقیقت در جرائم امنیتی می‌توان ادله‌ای را در دادرسی مجرا، مجزی و معذر قلمداد نمود که از جهت عرفی در این دست جرائم موضوعیت داشته، به نحو بین باشد و در طریق تشکیل علم قاضی قرار گیرد. موضوعیت و بین بودن یک پدیده در عرف دلیل شناخته می‌شود که ماهیت تأسیسی شرعی نداشته و به عنوان قواعدی تابع اصل عرفی و ظاهری بودن ادله در محاکم دادگستری اسلامی بررسی می‌شود^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷: ۴۱۴). بر این اساس در فقه اسلامی گروهی از امارات وجود دارد که سابقه اخذ در قضاء اسلامی نداشته ولی از جهت حجیت بناء عقلاء می‌تواند مستند در حکم قضایی قرار گیرد.

۱. در خصوص احترام اشاره شد که قاعده تنها در مورد مومن مجرم است. در مورد مظنون نیز قاعده «اتقوا من مواضع التهم» که سبب عزل برخی حقوق می‌شود بر اساس حدیث «من دخل موضعاً من مواضع التهمة فاقم لا یلومن إلا نفسه» (این بابویه قمی، ۱۳۷۶ ش: ۳۰۹)

۲. ماد ۱۶۲ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، مجلس شورای اسلامی.

۳. ماد ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، مجلس شورای اسلامی.

۴. نگاه کنید به حدیث ذیل که اساس اصل مذکور است:

«إِنَّمَا أَقْضَى بَيْنَكُمْ بِأَلْبَتَاتٍ...»

پس از بیان حجیت فقهی امارات غیرمنصوص و مؤلفه‌های آن، اکنون نوبت بررسی موجود بودن این مؤلفه‌ها در این اماره قضایی است. بر این اساس بایستی واکاوی را در حوزه جرائم امنیتی در حقوق کیفری تطبیقی ادامه دهیم:

۷. موضوعیت و بین بودن یافته‌های دروغ‌سنجی در دادرسی تطبیقی جرائم امنیتی

نسل‌های اولیه فناوری دروغ‌سنج همواره موردنقد بوده است و گزارش‌های متنوعی در رد و تأیید آن به‌عنوان یک دلیل علمی برای استناد در علوم کیفری به آن موردتوجه قرارگرفته است (Board on Behavioral, 2003:212) این انتقادات مورد اصلاح در نسل‌های بعدی این فناوری قرارگرفته است (Nakayama, 2003:49) و اکنون گرچه به‌دقت تشخیص اثرانگشت و آزمون ژنتیک نمی‌توان از این فناوری بهره برد، اما هیچ محدودیتی برای استفاده از این یافته علمی وجود ندارد (United States Supreme Court cases, 1998:324). علیرغم همه جرح‌وتعذیل‌ها اکنون در کشورهای جهان در امر غربالگری اشتغال و در جریان دادرسی کیفری استفاده از این فناوری معمول است و حتی برخی کشورها به استناد آموزه‌های روان‌شناختی در این حوزه بر اساس نیازهای کیفری اقدام قانون‌گذاری نموده‌اند^۱. اکنون در کشورهای آمریکا، کانادا، ژاپن، هند استفاده از این فناوری در دادرسی جرائم امنیتی مرسوم و مورد استناد دادگاه‌ها قرار می‌گیرد (Iacono, 2008:1299). در نظام حقوق اروپایی نیز گرچه رویه واحدی در این خصوص وجود ندارد، اما به‌طور گسترده‌ای از این فناوری در حوزه‌های امنیتی و جنایی استفاده می‌شود: در هلند و آلمان از سال ۲۰۱۷ میلادی در خصوص گرفتن حق‌السکوت دادگاه‌ها و دیوان عالی این کشورها استناد به این فناوری را پذیرفته‌اند. در کشور بلژیک پلیس به‌طور گسترده در جریان دادرسی جرائم مهم از این فناوری بهره برده است و هیئت‌های منصفه در دادگاه‌ها به آن اهمیت داده‌اند. در لیتوانی نیز پس از سال ۲۰۰۴ استفاده از آخرین فناوری‌های این حوزه مورد استفاده در دادگاه قرارگرفته است (Meijer, 2017:39). اکنون بر اساس حوزه جغرافیایی گسترده مورد کاربری این فناوری و حوزه کاربری در مسائل امنیتی می‌توان بی‌هیچ تردیدی اذعان نمود که استفاده از فناوری مذکور در دادرسی امنیتی و فراتر از آن در اعمال امنیتی موضوعیت داشته و عنصر کلیدی موضوعیت داشتن برای تلقی به اماره از این فناوری از این جهت بلاشکال است.

عنصر دومی که بایستی برای تحقق صدق عنوان اماره قضایی معتبر مورد واکاوی قرار گیرد و البته از عنوان اول اساساً خیلی دور نیست، بین بودن این فناوری است. از جهت دلالت و راهنمای به حقیقت بودن گاه بین، حجت (وهبه زحیلی، ۱۹۴۸، ق، ج ۵۱۰:۶)، گاه ظاهر کننده حق و گاه استدلال قوی خوانده‌شده است (سعدی، ۱۴۰۲، ق، ج ۴۷:۱). بر این ابتن امارات قضایی (در مقابل امارات وینه شرعی) دارای منطق

۱. نگاه کنید به قانون ذیل در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا در خصوص غربالگری اشتغال:

۲۲ US Code Chapter ۲۹ – Employee Polygraph Protection Act

درونی و دلّالی هستند که این منطق سبب پذیرش دلالت این یافته‌ها در مقام قضاء است. در مسئله ما منطق فناوری دروغ‌سنج بر این مهم استوار شده است که اساساً انسان در زمانی که اقدام به دروغ‌گویی می‌کند این رفتار همراه با نوعی واکنش‌های اندامی است که با برانگیختگی همراه است و ثبت این علائم می‌تواند نشان دهد که فرد در حال دروغ‌گویی است (Lewis, 2009: 86). گرچه در مقام نقد برخی در سببیت قطعی بین واکنش‌های اندامی و دروغ‌پردازی تشکیک کرده و بیان شده است که گاه بر اثر فشار روحی انسان همان واکنش‌های اندامی و برانگیختگی را نشان می‌دهد و برخی دروغ‌گویان حرفه‌ای هیچ کُنش اندامی در حال دروغ‌گفتن ندارند و لذا درواقع این فناوری دروغ‌سنج نیست، بلکه این فناوری نوعی هیجان‌سنجی است (Iacono, 2001: 89). اما در مقام پاسخ به این شبهات، فراوانی محدود موارد فوق و نتایج عملی مثبت در کشف جرائم مهم موردنظر بوده است. از سویی برای کاهش ضریب خطا ضوابط و استانداردهایی برای فرآیند اعمال این فناوری قرار داده شده است (Bell, 2010: 55). لذا به قرائت شرعی حجیت این نوع ظن معتبر بر اساس بناء عقلاء پذیرفته شده تلقی خواهد شد و بناء عقلاء سببیت بین هیجان ناشی از دروغ را می‌پذیرد و امکان استفاده از این فناوری به عنوان امارات قضایی قطعی وجود دارد. البته این پذیرش عام نبوده و لحاظ ضوابط حاکم بر کیفیت انجام و شخص متهم نیز حاکم بر موضوع خواهد بود که در بخش‌های بعدی بدان اشاره خواهد شد.

۸. ضوابط حاکم بر استفاده از فناوری دروغ‌سنج در فقه دادرسی امنیتی

درواقع پذیرش امارات و ادله حقوقی امری عام نیست و از شمول ادله حتی برخی امارات و بینات منصوص نیز خارج می‌شوند. چه آنکه همه انحاء اقرار نیز مسموع، مشمول و مشروع به حکم پذیرش قطعی در دادگاه نیست. جنس این موانع که سبب خروج از اصل اولی و پذیرش به عنوان اماره هستند، گاه به اقتضای ذات اماره است و گاه به اقتضای اموری بیرون از ذات اماره، که در ذیل این گونه موارد بررسی شده‌اند:

۱/۸. رضایت به استفاده از اماره فناوری دروغ‌سنج در جرائم امنیتی

یکی از شروطی که برخی قوانین در خصوص استفاده از این فناوری تصویر نموده است، اخذ رضایت از طرف متهم است (The British Polygraph Society, Code of Ethics, 5). بر این اساس قوانین غربالگری اشتغال برخی دیگر از کشورها نیز به این موضوع تکیه نموده است که تنها با رضایت شخص متهم امکان استفاده از فناوری ممکن است (Employee Polygraph Protection Act, 2006, d). برخی دلیل وجود چنین شرطی را رعایت حریم خصوصی اشخاص و اتکا به حقوق و آزادی‌های فردی خصوصاً تحقیر خود دانسته‌اند (Greaves, 1981: 655). برخی نیز دلیل این امر را ذاتی استناد به اماره دانسته، معتقدند که در صورتی که فرد خود بپذیرد که اقدام به آزمون نماید، امکان کیفی نتایج آزمون بیشتر بوده و نتیجه از جهت استناد پرارزش‌تر خواهد بود (American Polygraph Association, 2018: 1). هرچند

نمی‌توان این ادعا را که تنها یافته‌ها در این صورت ارزشمند هستند، یک فرض مسلم دانسته و تسری به همه موارد نمود.

در فقه القضاء اسلامی اصولاً استخدام بینّه به کیفیت دعوا و نظر مجتهد بستگی دارد و حتی بعد از اقامه بینّه نیز تا اقامه قضاء امر استفاده در حکم به نظر حاکم متوقف است (رشتی، ۱۴۰۱ ق: ج ۱ ص ۶۳). لذا انتخاب بینّه و سپس عمل به کیفیت آن در استخدام قاضی مجتهد است. بر این اساس در اصل اولی توقف بر اجازه از متهم خلاف اصل است و حقوق عامه متهمین مسقط و معارض حکم نخواهد بود، خصوصاً اینکه در مسئله جرائم امنیتی تعطیل برخی حقوق بدوی به شکل موقت به دلیل عقلی و نقلی گاه ضروری به نظر می‌رسد. اما چنانچه بگوییم که در کیفیت اقامه اماره مؤثر بوده و کیفیت تشکیل علم قاضی را متزلزل می‌نماید، آنگاه خالی از وجه نخواهد بود که در این موضوع احتیاط نماییم. البته به تحقیق نمی‌توان گفت که در همه موارد چنانچه فرد راضی نباشد کیفیت کاهش خواهد یافت و نظریه خبره و کارشناس در اینجا می‌تواند محل نظر قاضی قرار گیرد. اتخاذ مناط از نکول قسم (میرزای قمی، ۱۳۸۷ ق: ۳۰۹) به‌عنوان یک اماره قضایی بدون خصوصیت استثنایی^۱ و تنقیح مناط می‌تواند مبنا قرار گرفته و حکم نماییم که در صورتی که بلا دلیل متهم از تحقیق استنکاف کند، این عمل خود می‌تواند اماره‌ای علیه وی باشد. البته قاضی باید وی را از این حقوق آگاه نماید.

۲/۸. استانداردهای اخلاقی و علمی در آزمون دروغ‌سنج در تطبیق با فقه جرائم امنیتی در کشورهایی که سابقه حقوقی و علمی طولانی در استفاده از این فناوری وجود دارد، انجمن‌هایی برای توسعه کمی و کیفی و سامان‌دهی متخصصین این فناوری به وجود آمده است و اصول اخلاقی که اساس حقوقی و علمی برای تضمین کیفیت استفاده از این فناوری بوده است را سامان داده‌اند. در این اسناد این اصول علمی، اخلاقی و حقوقی به ترتیب ذیل تنقیح شده است:

۱. تشخیص خبره و نگارنده گزارش بایستی در قالب واکنش‌های بدنی شفاف و باکیفیت اخذ شود و اظهارنظر در این رابطه باید در قالب «فریب شناخته‌شده^۲»، «عدم فریب شناخته‌شده^۳» و «بی‌نتیجه و ناکامل^۴»، «بدون نظر^۵» باشد تا بتواند مورد استفاده در دادرسی قرار گیرد.
۲. گزارش بایستی حاوی همه سؤالات و واکنش‌ها باشد تا در مقام تحلیل قضایی شدت و ضعف واکنش مدنظر قاضی قرار گیرد. هر پاسخ مهم بایستی مبتنی بر اهمیت در گزارش قید گردد و

۱. الغای خصوصیت یا الغای فارق یا به قولی تنقیح مناط، حذف اوصاف و ویژگی‌هایی است که در دلیل حکم، همراه موضوع است، اما نزد عرف یا به قرآنی دخالته در ثبوت حکم برای آن موضوع ندارد و نتیجه آن، ثبوت حکم نسبت به موضوعاتی است که فاقد آن اوصاف است.

2. Deception Indicated.
 3. No Deception Indicated.
 4. Inconclusive.
 5. No Opinion.

با گزاره‌های «پاسخ قابل توجه»^۱، «پاسخ بدون اهمیت»^۲، «غیرقابل ارزیابی»^۳ یا «بدون نظر» مشخص و ذکر گردد.

۳. اوضاع و احوال شخصی متهم (از حیث دروغ‌گویی، تربیت خانوادگی رعایت مبالغت عرفی و...) که می‌تواند در کیفیت یافته‌ها مؤثر باشد.

۴. ثبت تمام مراحل اخذ آزمون فوق به صورت سمعی و بصری لازم است.

۵. آراء و افکار غیر مرتبط به موضوع اتهام که در فرآیند آزمون کشف می‌شود به هیچ عنوان نبایستی افشاء شود، مگر در صورتی تشخیص ضرورت از طرف قاضی و به صورت مکتوب و مُدلل.

۶. روش‌های آزمون دروغ‌سنجی بایستی از روش‌های مسلم بوده و حداقل دو تحقیق تجربی با کیفیت ۹۰٪ و امکان انحراف حداکثر ۲۰٪ را به همراه داشته باشد.

۷. احراز صلاحیت کارشناس در قالب کفایت علمی و سوابق آزمونی بایستی ثبت و در نظر استفاده کنندگان قرار گیرد (The British Polygraph Society, Code of Ethics, 1).

همه موارد فوق برای تبیین درست و تنقیح صریح و رسا از آزمون مقدمه و تصریح شده و کیفیت فرآیند اخذ نتیجه را تضمین می‌نمایند. در حقیقت موارد فوق برای دقت در موضوع اماره و تشکیل صحیح اماره موضوع بحث ما هستند که همه در نظر فقیه ارزش موضوع شناسی دارند که موضوع حکم مقام قضایی قرار می‌گیرد (نائینی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۱۴۵).

موضوع در مرتبه پیش از حکم و به منزله علت آن است. تا فقیه، موضوع را به درستی نشناسد و اقسام آن را تشخیص ندهد، روا نیست، حکمی را بر آن بار کند. از این رو در فقه در دو مرحله موارد فوق ضروری قضاء تلقی می‌شود و فقه حکم به وجوب موارد فوق می‌دهد. اولاً اینکه بدون شناخت موضوع که مثابه علت حکم است، حکم ناقص و غیر مشروع است (نجفی کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ق، ج ۲ ص ۲۱۲). ثانیاً اینکه موارد فوق متواتر به تشکیل علم قاضی قرار گرفته و قاضی را مُعَلِّم به علم نافذ برای حکم می‌نماید که مقدمه ضروری استفاده از امارات غیر شرعی است و چنانچه این امارات منتج به علم نشوند فایده مند نخواهند بود (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ ق، ج ۱ ص ۴۸۶). لذا در مجموع می‌توان گفت در موارد جرائم امنیتی که عمده حق‌الله خواهد بود رعایت شرایط فوق ضروری خواهد بود تا علم لازمه برای صدور حکم و تشکیل علم نافذ حکم در نزد قاضی انجام شود.

سرآمد: نظام پیشنهادت راهبردی برای ارتقاء نظام ادله دادرسی در جرائم امنیتی با تمرکز بر فناوری دروغ‌سنج اساس این پژوهش تمرکز بر این مسئله اساسی قرار داشت تا یک فناوری جدید که یکی از صد اختراع متحول کننده در نظام‌های حقوقی در سده اخیر بوده است را برای استفاده در نظام دادرسی امنیتی فراهم

1. Significant Response.
2. No Significant Response.
3. Inconclusive.

۴. «و هو الامر الذی رتب حکم الشرعی علیه و المراد بالموضوع هو ما اخذ مفروض الوجود فی متعلق الحکم».

آورد. یافته‌های فوق نیازهایی را در نظام حقوقی ما به‌عنوان مقدمه حاکمیت قانون و برای استفاده دقیق و مشروع فراهم آورده است. بر این مبنا راهبردها و سازوکارهای اجرایی ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. تولید و ترویج فرهنگ حقوقی در ساحت دانش حقوقی فقهی کشور برای ارتقاء مطالعات میان رشته ای فقه، حقوق و روانشناسی بر اساس تمرکز بر تکنیک های نوین راستی آزمایی که به کشف حقیقت کیفری کمک می نماید.

۲. جریان سازی علمی در نهادهای تصمیم ساز و تقنینی کشور در جهت شناخت و تعمیق در موضوعات نو پدید راستی آزمایی و کشف حقیقت کیفری برای تبدیل و ارتقاء بینه در کشف حقیقت کیفری

۳. قانون گذاری خاص مبتنی بر یافته‌های فوق در دادرسی امنیتی برای سامان دهی دقیق این نوع از ادله در جرائم امنیتی. این ضرورت نه تنها در استفاده از این اماره قضایی مورد تأکید است، بلکه به نظر می‌رسد که لحاظ نوعی نظام خاص در فرآیند دادرسی جرائم امنیتی امری ضروری تلقی می‌شود.

۴. تأسیس نهادهای حقوقی فنی برای گسترش پیوند یافته‌های دانشی و حقوقی و برای سامان دهی دقیق از موارد فوق امری مسلم است تا کانون کارشناسی رسمی و دقیق هویت علمی موارد فوق را سامان دهد و سویی بی طرفی لازم را در گزارش ها به صورت علمی و دقیق سامان دهی نماید.

۵. دوره‌های دانش افزایی بر اساس آموزش فنی و فقهی حقوقی برای قضات می‌تواند به گسترش عدالت قضایی کمک نماید.

۶. غریبال گری اشتغال خصوصاً با تمرکز بر مشاغل امنیتی و ملی از اهمیت برخوردار است و به نظر می‌رسد که از جهت ضرورت امنیتی و سلامت اداری کمتر از نظام دادرسی امنیتی نمی‌باشد و از جهت تکامل نظام دادرسی امنیتی نیز از اهمیت برخوردار است.

۷. گرچه این پژوهش از جهت حکمی دقت فقهی، حقوقی و فنی را معمول داشته است، مطالعه رویه قضایی تطبیقی و خصوصاً مطالعه پرونده‌های مطلوب به نتیجه با استفاده از این فناوری و احیاناً موارد خلاف آن می‌تواند نظام فقهی قضایی ما را برای استفاده از موارد فوق به خوبی محیای عدالت قضایی نماید.

نتیجه گیری

تحقیق پیش رو با این هدف که بتواند جایگاه فقهی حقوقی فناوری دروغ سنجی در نظام حقوقی و در دادرسی جرائم امنیتی واکاوی نماید انجام شده است و نتیجه علمی تحقیق، حکم به مشروعیت استفاده از فناوری دروغ سنجی در قالب امارات قضایی و از طریق اخذ در دلیل علم قاضی است. البته استفاده از این اماره نیز مانند سایر ادله کیفری تام و تمام نبوده است و مشروط به شرایط و ضوابط مذکور در مراتب

موصوف خواهد بود. کیفیت گزارش، روش استفاده شده در اخذ اماره، کیفیت اخذ یافته و رعایت حقوق قانونی طرفین امهات از ضوابط استفاده از این فناوری را تشکیل داده است.

گرچه در قسمت سرآمد، بر اساس یافته‌های علمی سعی شده است تا پیشنهادهایی را بر ارتقاء نظام دادرسی جرائم امنیتی پیشنهاد شود. اما به جهت رعایت ساختار علمی مقاله اشاره می‌شود: تأسیس نهادهای قانونی، علمی و حقوقی بی‌طرف و تمرکز بر ارتقاء علمی قضات اعم و اهم اصلی این راهبردها و پیشنهادات این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

منابع:

- قرآن کریم.
- قانون آئین دادرسی کیفری.
- ابراهیم زاده، الیاس (۱۳۹۰)؛ علوی، سیدمحمد؛ شناسایی فریب از طریق پردازش سیگنال‌های مغزی مبتنی بر روش مقایسه همبستگی، فصلنامه پدافند غیرعامل، شماره ۱۴، (۸ صفحه - از ۵۷ تا ۶۴).
- ابن بابویه قمی محمد (۱۳۷۶ ش) امالی شیخ صدوق، تهران: نشر کتابچی، چاپ اول.
- آقابابایی، حسین؛ احمدی ناطور، زهرا (۱۳۹۱)؛ فناوری دروغ‌سنجی؛ تهدیدی بر علیه حریم خصوصی، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۶، (۲۲ صفحه - از ۷ تا ۲۸).
- تسخیری، محمدعلی (۱۴۲۰ ق)، القواعد الاصولیه و الفقهیه علی مذهب الامامیه، قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹)، الفقه، ج ۴۷، بیروت، دارالعلوم، الطبعة الثانية.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۶). دلیل در امور کیفری و مدنی، تهران: انتشارات تدریس، چاپ سوم.
- رشتی، میرزا حبیب‌الله رشتی (۱۴۰۱ ق)، کتاب القضاء، ج ۲، جلد، قم: دارالقرآن الکریم، اول.
- سعدی ابوجیب (۱۴۰۲)، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً، ج ۱، دمشق: النشر، چاپ سوم.
- صدر، سیدمحمد باقر، دروس فی علم الاصول، ج ۲، نجف: مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الاول.
- فاضل آبی، حسن بن ابی‌طالب (۱۴۱۷ ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، تحقیق علی پناه اشتهااردی و حسین یزدی، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
- فاضل هندی (۱۴۱۷ ق)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، ج ۹، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۷، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی، جامع المسائل، دو جلد، قم: انتشارات امیر قلم، قم، چاپ یازدهم.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۶ ش)، قواعد فقه، جلد ۴، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول.
- محقق کرکی، رسائل، تحقیق: محمدحسون، رساله صلوٰة الجمعة، ج ۱، قم: کتابخانه آية الله مرعشی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، ج ۱۶، قم: انتشارات صدرا، چاپ چهارم.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، میرزای قمی (۱۳۸۷ ق)، قوانین الاصول، تهران: النشر چاپ دوم.
- میرزای نائینی (۱۴۱۳ ق)، فوائد الاصول، ج ۱، قم: انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- نجاریان، بهمن؛ سودانی، منصور (۱۳۸۰)؛ ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش تحریف واقعیت، علوم تربیتی و

روانشناسی اهواز، شماره ۶۲، (۱۶ صفحه - از ۹۹ تا ۱۱۴).

- نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (۱۴۲۲)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحدیثه)، ۴ جلد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- وهبه زحیلی مصطفی (۱۴۰۴ ق)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: نشر التاریخ العربی، چاپ سوم.
- الیزدی النجفی، السید محمد إبراهیم (۱۴۱۲ ق)، حاشیه فرائد الأصول، جلد ۲، قم: دار الهدی، چاپ اول.
- American Polygraph Association (APA) (2018), *Standards of Practice*, effective 09/01/2018.
- Bell, B. G.; Grubin, D. (2010). "Functional magnetic resonance imaging may promote theoretical understanding of the polygraph test". *Journal of Forensic Psychiatry and Psychology*. 21 (1): 52–65.
- Board on Behavioral, Cognitive, and Sensory Sciences and Education (BCSSE) and Committee on National Statistics (CNSTAT) (2003). *The Polygraph and Lie Detection*. National Research Council. doi:10.17226/10420. ISBN 978-0-309-26392-4 (Chapter 8: Conclusions and Recommendations, p. 212)
- David, Marion (2005). "Correspondence Theory of Truth" in *Stanford Encyclopedia of Philosophy*
- Faigman, David L. (1999). *Legal Alchemy: The Use and Misuse of Science in the Law*. New York: W. H. Freeman & Co.
- Gordon, N. J. (2008). *Today's Instruments for Truth Testing*. *The Police Chief*, vol. 75, no. 9.
- Greaves, Richard L. (1981). "Legal Problems". *Society and religion in Elizabethan England*. Minneapolis, Minnesota: University of Minnesota Press. pp. 649, 681.
- Iacono, W. G. (2008). "Effective policing: Understanding how polygraph tests work and are used". *Criminal Justice and Behavior*. 35 (10): 1295–1308.
- Iacono, William G. (2001). "Forensic 'Lie Detection': Procedures Without Scientific Basis". *Journal of Forensic Psychology Practice*. 1 (1): 75–86.
- Israel, Jerold H.; Kamisar, Yale; LaFave, Wayne R. (2003). *Criminal Procedure and the Constitution: Leading Supreme Court Cases and Introductory Text*. St. Paul, MN: West Publishing.
- Jones, Ishmael (2008). *The Human Factor: Inside the CIA's Dysfunctional Intelligence Culture*. New York: Encounter Books.
- Lewis, J. A.; Cuppari, M. (2009). "The polygraph: The truth lies within". *Journal of Psychiatry and Law*. 37 (1): 85–92.
- Marston, William M (1917). "Systolic Blood Pressure Changes in Deception". *Journal of*

Experimental Psychology. 2 (2): 117–63.

- Meijer, Ewout H; van Koppen, Peter J (2017). “**Chapter 3. Lie Detectors and the Law: The Use of the Polygraph in Europe**”. In Canter, David; Žukauskiene, Rita (eds.). Psychology and Law: Bridging the Gap. Routledge. ISBN 9781351907873.
- Meijer, Ewout H; van Koppen, Peter J (2017). “**Chapter 3. Lie Detectors and the Law: The Use of the Polygraph in Europe**”. In Canter, David; Žukauskiene, Rita (eds.). Psychology and Law: Bridging the Gap. Routledge.
- Michell, Joel (August 1997). “**Quantitative science and the definition of measurement in psychology**”. British Journal of Psychology. 88 (3): 355–383.
- Nakayama, M. (2002) **Practical use of the concealed information test for criminal investigation in Japan**. Pp. 49-86 in M. Kleiner, ed. Handbook of Polygraph Testing. San Diego, CA: Academic Press.
- Schultz, Duane P.; Schultz, Sydney Ellen (2010). **Psychology and work today: An introduction to industrial and organizational psychology (10th ed.)**. Upper Saddle River, N.J.: Prentice Hall.
- Troville, P.V. (1939). “**A History of Lie Detection**”. Journal of Criminal Law and Criminology. 29 (6): 848.
- **United States Supreme Court cases**(1998), United States v. Scheffer, 523 US 303 (1998), volume 523.